

من اروپائی نیستم

پرویز مینوی

دارد و از نژاد برتر آریا هستیم و اصولاً حاضر نیستیم یک لحظه به این موضوع فکر کنیم که هنگامی که مردمان دامدار و شکارچی و چادرنشین آریائی وارد ایران شدند با نیاکان شهرنشین و کشاورز ما چه کردند؟ آیا چند

صد هزار نفر از آنان را نکشتند تا این خون پاک آریائی را در رگهای من و توبه جریان در آورند؟

۵- سران نازی را که دستشان به جنایت آلوده بود، محاکمه کردند و آنها را به مجازاتهایی از حبس تا اعدام محکوم کردند ولی ما منتظریم تا به قدرت برسیم و همه آخوندها را به درختهای خیابان پهلوی بیاویزیم.

۶- غربی‌ها به دنبال دانش و کشف و اختراع می‌روند ولی از بچگی به ما قبولانده‌اند که همه علوم را می‌توان در قرآن پیدا کرد و از طرفی هم باید آن را به زبان عربی بخوانیم تا اگر دانشی هم در آن باشد (که نیست) ما آن را هم نفهمیم.

۷- غربی‌ها کتاب مذهبی خود را به زبان مادری می‌خوانند تا بفهمند ولی ما به عربی می‌خوانیم و نمی‌فهمیم.

۸- ما اگر دیکتاتور پرست باشیم (که هستیم)، در آینده یا پادشاهی شبیه اردن و یا جمهوری مادام‌العمر و موروثی مانند سوریه نصیبمان می‌شود که با هم فرقی ندارند و اگر به آزادی و دموکراسی غربی رسیده باشیم (که بعید است) یا پادشاهی انگلستان یا جمهوری فرانسه نصیب ما می‌شود که باز هم با هم فرقی چندانی ندارد. ولی ما بر سر پادشاهی یا جمهوری می‌جنگیم و با وجود آنکه خود را دموکرات می‌دانیم، حاضر نیستیم آن را به رأی مردم داخل ایران واگذار کنیم.

۹- اروپائی‌ها در کشورشان چند حزب دارند و گاهی برای به دست آوردن اکثریت در مجلس، دو یا چند حزب با هم ائتلاف می‌کنند. ولی من و تو اگر عضو یا هوادار هر گروه سیاسی باشیم، بقیه را خائن می‌خوانیم.

۱۰- اروپائی‌ها می‌کوشند روز به روز وضع بهتری پیدا کنند و در کشورشان هیچ‌کس از غذا و مسکن و درمان و تحصیل محروم نیست، ولی ما هیچ‌یک از آن کشورها را به عنوان الگو و هدف قبول نداریم و به دنبال رؤیاهای اسلامی یا مارکسیستی هستیم که از دیگران گرفته‌ایم و می‌خواهیم به آن جامعه رؤیائی که در ذهن ما هست (و تاکنون هیچ‌جا به

منظورم از واژه «من» من نوعی است و شامل «توی» نوعی هم می‌شود و منظورم از اینکه «اروپایی نیستم»، این است که جهان سومی هستم تو هم همینطور! منظورم این نیست که مثلاً من اهل افغانستان هستم و تو اهل ایران یا ترکیه هستی... نه، منظورم این است که باورها و رفتارها و گفتارهای من و تو، جهان سومی است. چه در پاکستان زندگی کنیم، چه در سوئد یا آلمان! قبول ندارید؟ پس توجه کنید:

۱- در سوئد خیابان و تیم ورزشی و کارخانه را به نام «وایکینگ» نام می‌گذارند و بر این باورند که در دوران قتل و غارت اجداد وایکینگ آنها بهترین غارتگران بوده‌اند و امروزه در دوران دموکراسی هم می‌کوشند بهترین دموکراسی را داشته باشند. ناپلئون، چرچیل، دکارت، ژان ژاک روسو، ولتر، مارکس، انگلس، کپلر و ... و ... مورد احترام مردمان اروپا هستند، ولی ما آرامگاه شاهان را به توالف بدل کردیم و مسجد سنی‌ها و خانقاه درویش‌ها را با خاک یکسان کردیم.

۲- فرانسه و آلمان که در طی تاریخ بارها با یکدیگر جنگیده‌اند و کشتار کرده‌اند، امروز دو ملت دوست هستند. پول مشترک دارند، پارلمان مشترک اروپا را دارند و ... ولی ما ایرانیان عرب ستیزی را شعار قرار داده‌ایم و هرکس که بیشتر به عربها فحش بدهد، فرزانه‌تر و میهن پرست‌تر ... به حساب می‌آید.

۳- اگر غربی‌ها در کشورشان دچار یک حکومت دیکتاتور بشوند، همه حزب‌ها ائتلاف می‌کنند تا آن حکومت را سرنگون کنند، ولی هر حزب ما می‌کوشد حزب دیگر را سرنگون کند.

۴- ما اگر ساکن آلمان یا یک کشور اروپائی دیگری شده باشیم، از رفتار نژادپرستانه مردم آنجا فریاد می‌زنیم و می‌گوئیم نژادپرستی با خود آدولف هیتلر به خاک سپرده شد و اعلامیه حقوق بشر همه نژادها را برابر می‌داند ولی در همان حال بر این باوریم که خون پاک آریایی در رگهای ما جریان

حقیقت نپیوسته است)، برسیم. لذا کار ما خشم و مبارزه و نفرت است و آن را برای نسل‌های بعدی به ارث می‌گذاریم.

۱۱- من و تو اگر در بحث دلیل کافی نداشته باشیم، فریاد می‌زنیم و رگهای گردن را باد می‌کنیم و طرف را کافر، مرتد و یا خائن می‌نامیم، ولی غربی‌ها چنین نمی‌کنند.

۱۲- اگر یک اروپائی بخواهد درباره حیوانی مثلاً فیل، مقاله بنویسد، سراغ کتاب و اینترنت و باغ وحش و شاید هم به آفریقا و یا هندوستان برود، ولی بیشتر ما با همان دانش نیمه کاره خودمان مقاله را به پایان می‌بریم.

۱۳- ما باور می‌کنیم حضرت محمد ماه را دو نیمه کرده است. حضرت عباس مشک آب را از دستهای قطع شده‌اش به دهان داده است و امام رضا، ضامن آهو شده است و پسر پنج ساله‌ای که تنها چهار نفر او را دیده‌اند، امام زمان غایب ما است. غربی‌ها هم از این حرفها دارند ولی در دل به آن می‌خندند ولی از آن کسی که در کریسمس همراه خود از سوراخ بخاری هدیه می‌آورد، برای بچه‌های خود تعریف می‌کنند تا آنها را سرگرم کنند.

۱۴- غربی‌ها حکومت‌های سکولار دارند و دین آنها در حکومت دخالت ندارد و به پرچمهایشان که اتفاقاً بسیاری از همان صلیب‌ها نشانه دارد احترام می‌گذارند ولی برخی از ما از رنگهای پرچم خودمان و از نشان شیر و خورشید آن، راضی نیستیم.

۱۵- در غرب اگر در مقابل مردی که از کلیسا خارج می‌شوند برگی از کتاب انجیل را پاره کنی، به تو کاری ندارند. اما اگر کسی در مقابل مردمانی که از مسجد خارج می‌شوند، برگی از قرآن را پاره کند، تکه تکه خواهد شد.

۱۶- همه مردمان اروپا می‌دانند که در زبانشان بسیاری از واژه‌های بیگانه وجود دارد و آن را سبب غنی شدن زبان خود می‌دانند. ولی ما جهان سومی‌ها جارو را برداشته‌ایم تا همه واژه‌های خارجی را از زبان خودمان جارو کنیم و به جای هر واژه بیگانه، یک واژه عجیب و غریب و نا آشنا بگذاریم و در داخل پراتز همان واژه بیگانه را بنویسیم تا بفهمند.

با سپاس - پرویز مینوئی

P.o Box 771353 - Houston

TX 77215 - 1353